نوع مقاله: پژوهشی
دریافت مقاله:۱۳۹۸/۰۹/۲۳
پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۲/۲۰
صفحات: ۴۲-۳۱
10.29252/mmi.10.24.31

مراتب حفاظت از میراث معماری

مهدی سعدوندی* مائده کلانتری**

چکیده

حفاظت آثار معماری، مبتنی بر شناخت معماری است و معماری، ظرف زندگی انسان است. انسان، معماری را برای رفع نیازهای خود میسازد و این در حالی است که او علاوه بر جسم، دارای روح و روان است و نیازهای انسان نیز در عین حال که متنوع بوده، دارای مراتبی نیز هستند. انسان در سطحی، نیازهای جسمی و معیشتی و در سطحی دیگر، نیازهای روانی و معنوی دارد. معماری نیز از این جهت، دارای وجوهی کالبدی و همچنین فراتر از کالبد است. بدین ترتیب، مراتب معماری، امکان حیات انسان در تمام ساحات وجودی او را مهیا می‌گردانند. حال با توجه به ذو مراتب بودن انسان و معماری، چنانچه هدف حفاظت را تطویل عمر و تداوم و بقای آن در تمام وجوه بدانیم، حفاظت نیز قائم به مراتب است. اما سؤال اینجا است که مراتب متعدد حفاظت کدام هستند؟ و این مراتب متعدد چه نسبت و ارتباطی با هم دارند؟ به منظور پاسخ به این پرسش‌ها به جهت توجه به ماهیت معماری و حفاظت از تمامیت آن، چیستی و چگونگی مراتب وجود در عالم مورد بحث قرار می‌گیرد؛ چرا که قطعاً مراتب وجودی انسان و نیازهای او و معماری و حفاظت نیز تابعی از آن هستند. لذا در این پژوهش با روش "قیاس" به معنای تعمیم از کل به جزء و استدلال منطقی، به تطبیق و تعمیم قواعد و مراتب عالم وجود بر معماری و پس از آن حفاظت پرداخته و سپس به پرسش‌های پژوهش پاسخ داده خواهد شد. در نهایت، مراتبی سه‌گانه از حفاظت به دنبال مراتب سه‌گانه معماری بیان می‌شوند؛ مرتبه پایین‌تر، مرتبه ماده است که جنبه محسوس و کالبد معماری را شکل می‌دهد، متناظر با مرتبه و قوای حسی انسان است و نیازهای اولیه و مادی انسان را با واسطه مواد و مصالح طبیعت (مرتبه مادی عالم) رفع می‌کند. حفاظت نیز در این مرتبه، مبتنی بر شناخت کالبدی اثر است. مرتبه بالاتر، مرتبه الگو بوده که واسطه انتقال معانی اعلی به ساحت ماده است. متناظر آن در انسان، قوه خیال و در هستی، عالم مثال است. در این مرتبه، الگوها و قواعد به طریق رمزی و استعاری، عامل شکل‌گیری معماری هستند. این مرتبه، از کالبد و ماده فراتر است. بدین ترتیب، حفاظت معماری در این مرتبه، مبتنی بر فهم و بازتکرار آگاهانه الگوها است. بالاترین مرتبه، مرتبه معنا است. متناظر آن در انسان، قوه عقل و در هستی نیز مرتبه عقل است. حفاظت از این مرتبه به تربیت، نه صرفاً آموزش، انسان‌ها جهت تقویت قدرت خوانش معنا نیاز دارد. این مراتب در نظامی طولی و درهم‌تنیده هستند و تقرب به مراتب بالاتر، در گرو عبور از مراتب پایین‌تر است.

کلیدواژه‌ها: مراتب حفاظت معماری، مراتب عماری، مراتب وجود، مراتب انسان، میراث معماری

* استادیار، دانشکده معماری، دانشگاه هنر اصفهان (نویسنده مسئول). m.saedvandi@aui.ac.ir
** دانشجوی دکتری مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی، دانشکده حفاظت، دانشگاه هنر اصفهان. ma.kalantari91@yahoo.com

مقدمه

حفاظت، از شناخت آغاز می‌شود. پس از آن، رویکرد مداخله و روش‌ها و تمامی اقدامات حفاظتی تعیین می‌شود. حفاظت نوین همچون سایر علوم دوره جدید، مبتنی بر ماده است و لذا تغییرات مادی و در نتیجه آسیب‌های کالبدی اثر، در کانون توجه قرار دارند. به همین جهت، حفاظت نوین به کمک پیشرفت علوم و تجهیزات، در این حوزه پیشرفت‌های بسیاری نیز داشته است. اما ارزش آثار هنری سنتی و به‌طور مشخص آثار معماری را نمی‌توان منحصر به ارزش‌های تاریخی و کالبد فیزیکی آنها دانست. حفاظت صرف از ارزش‌های کالبدی ممکن است به دلیل غفلت از بعد معنایی اثر، منجر به از دست رفتن محتوای معنایی آن شود. ضرورت این امر آنجا آشکار می‌شود که آثار و یا مکان‌های حفاظت‌شده بسیاری را می‌توان دید که با اینکه در شرایط مطلوب فیزیکی و ظاهری قرار دارند، اما بی‌روح و منجمد و فاقد حیات و روح به نظر می‌رسند؛ چرا که توجه به وجوه دیگر و حفاظت از ارزش‌های معنایی اثر صورت نگرفته است. علاوه بر این، چنانچه دانش حفاظت به آنها نپردازد، به مرور این ارزش‌ها و مفاهیم در میان حفاظتگران، حتی حفاظتگران سنتی، به فراموشی سپرده می‌شوند. چنین حفاظتی، پوچ و توخالی است؛ چرا که فقط بر پوسته بدون توجه به محتوای معنایی تأکید دارد.

بنابراین، حفاظتِ جامع به دنبال شناختِ کامل می‌تواند صورت گیرد. در شناخت معماری باید توجه داشت معماری دارای وجوه متعددی است؛ چون نیازهای متعددی را پاسخ‌گو است. از این‌رو، هر اثر معماری، برآیندی از کلیه علل و عوامل مؤثر بر آن است. روابط فضایی یک مکان، معلول اقتضائات کاربری آن مکان است، رنگ و بافت و سیمای بنا، به دلیل مصالح ساختمانی و نحوه استعمال آنها است، تناسبات بنا متأثر از مدول و پیمون و هندسه معین است، فرم بنا تابعی از هندسه، سازه، جغرافیا و اقلیم و عوامل دیگر است، معانی مندرج در یک مکان نیز حاصل و مولود مفاهیم و معانی ذهنی انسان‌ها و ارتباط متقابل انسان و مکان هستند. بنابراین، این آثار، دارای معانی و کیفیاتی ورای ماده نیز هستند. لذا آثار سنتی را به جهت دارا بودن ابعاد و وجوه گوناگون، به لحاظ متعددی نیز می‌توان مورد بررسی و شناخت و سپس حفاظت قرار داد. از این‌رو در این آثار، با وجوه و ساحت‌های متنوعی از کالبدی تا فراکالبدی مواجه هستیم و قاعدتاً حفاظت هم در وجوه و ساحات گوناگون باید صورت گیرد. لذا می‌توان وجوه متکثری از معماری و وجوه متعددی از حفاظت از آن را متناظر با هم در نظر گرفت. اما سؤال اینجا است این وجوه متعدد چه نسبت و ارتباطی با هم دارند؟ و با توجه به اینکه "معماری ظرف زندگی انسان" (حجت، ۱۳۸۱: ۸) و پاسخ‌گوی نیازهای او است، مراتب معماری چه نسبت و ارتباطی با نیازها و توانایی‌های متنوع انسان دارند؟ و طی چه مراتبی می‌توان آن را حفاظت کرد؟

پیشینه پژوهش

معماری، موضوع گسترده و دارای ابعاد بسیار بوده و بدین صورت، تا کنون بارها به شناخت آن پرداخته شده است. معماری به لحاظ نحوه تأثیر از اقلیم و جغرافیا، ساختار و سازه، روابط فضایی معماری، نور، سلسله مراتب حرکتی، رنگ، نقوش، تزئینات، سبک و شیوه رایج هر دوره، مصالح و تکنیک‌های مورد استفاده، جهت‌گیری، فرم و هندسه، کیفیات مکان، احساس و معنای مکان و ... مورد مطالعه و پژوهش قرار گرفته که اشاره به همه موارد آن، از محدوده این پژوهش خارج است. هر مکان معماری، برآیندی از وجوه متعدد است که جهت پاسخ به نیازهای گوناگون و به واسطه علل متفاوت پدید آمده‌اند. آنچه مورد تأکید و توجه است، این است که معماری، دارای وجوه متنوع و متکثری بوده که در یک تقسیم کلی می‌توان وجوه کالبدی و فراکالبدی را در آن معرفی کرد. وجوه کالبدی و فراکالبدی در عین ملازمت، در دو ساحت متفاوت هستند و بنابراین، مراتب معماری و مراتب حفاظت آن نیز در یک مرتبه نیستند. کرباسی (۱۳۸۹) در رساله دکتری خود با عنوان "ثابت و متغیر در معماری"، به مراتب امور ثابت و متغیر معماری پرداخته است. وی در مقاله‌ای با نام "جستاری در مرتبه‌مندی معماری"، به تأثیر فهم مراتب معماری در اعتلای آن می‌پردازد. نوروزی و دیگران (۱۳۹۴) در مقاله "برقراری رابطه مطلوب مراتب انسان و معماری به واسطه مراتب ذکر"، مراتب معماری و انسان در نسبت با مراتب ذکر را مطرح کرده‌اند. خاکی قصر (۱۳۹۷) در مقاله "مدخلی بر راهبرد فهم درونی در تحقیق وجوه معنایی معماری"، بر اساس مراتب معماری، به مراتب شناخت از جمله فهم درونی و شهود قائل است. فلاحت و دیگران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان "نقش مفهوم حس مکان در ارتقای کیفیت حفاظت معماری"، سطوح مختلفی در حفاظت مطرح می‌کنند؛ ۱. وجوه کالبدی، ۲. وجوه عملکردی و کاربری، ۳. کیفیت ارتباط با بستر و زمینه. ایشان حفاظت در این سه مرتبه را موجب تقویت حس مکان و ارتقای کیفیت حفاظت معرفی می‌کنند. با این حال، به کیفیت از نگاه مدرن می‌پردازند. یادگاری (۱۳۹۴) در رساله دکتری خود با نام "حفاظت فراکالبدی"، به حفاظت از ارزش‌های غیرملموس می‌پردازد و در ارتباط

با تفاوت بنیان‌های نظری بیان می‌دارد فراکالبد در اندیشه مدرن، در نسبت با "انسان" و در جهان‌بینی اسلامی-ایرانی، در نسبت با "خداوند" تعریف می‌شود.

مقاله حاضر پس از مرور پژوهش‌های پیشین، به تبیین مراتب حفاظت آثار معماری، در ربط با مراتب معماری و مراتب عالم وجود، می‌پردازد.

روش پژوهش

به منظور پاسخ به پرسش تحقیق، به ماهیت معماری که مرتبط با انسان و پاسخ‌گوی نیازهای مترتب انسان بوده و همچنین خود، ذیل نظامات وجودی عالم است، توجه می‌شود. از این‌رو، از حوزه فرادست موضوع و با نگاه هستی‌شناسانه، به موضوع عالم و معماری و سپس حفاظت پرداخته می‌شود. بنابراین، چیستی و چگونگی مراتب وجود در عالم مورد بحث قرار می‌گیرد. قطعاً مراتب وجودی انسان، مراتب نیازهای انسان و مراتب معماری نیز تابعی از آن هستند و به دنبال آن، مراتب حفاظت از اثر تبیین می‌شود. لذا در این پژوهش با تطبیق و قیاس قواعد و مراتب عالم وجود بر معماری و علل آن، به طریق استدلال استنباطی، به پرسش‌های پژوهش پاسخ داده خواهد شد.

هر چند مباحث وجودشناسی در امتداد آرای فلاسفه یونان و افلاطون شکل گرفته‌اند، اما در این پژوهش، فقط از مباحث مطرح‌شده در حکمت و فلسفه اسلامی مدد گرفته شده؛ اول به دلیل تحدید و تدقیق موضوع و دوم از آن‌رو که اثر معماری سنتی ایرانی و اسلامی بر اساس مبانی نظری ویژه‌ای مستخرج شده و مرتبط با فلسفه اسلامی شکل گرفته است. لذا برای حفاظت صحیح لازم است از همان منظر فکری مولد اثر به آن پرداخته شود تا حفاظت در مسیر تداوم حیات قرار گیرد. بنابراین، مراتب حفاظت به موازات مراتب وجودی انسان و عالم و معماری تبیین می‌شوند.

مراتب وجودی

همه فرهنگ‌های عهد کهن بر این امر آگاه بودند که واقعیت، شامل مراتب بی‌شمار وجود است (بورکهارت، ۱۳۸۹: ۵۶). همچنین عرفا و فلاسفه، عالم وجود را دارای مراتب می‌دانند. در اصطلاح فلسفی، مراتب وجودی عبارت است از اینکه وجودهای عالم، دارای درجه‌بندی از نظر شدت و ضعف وجودی باشند. هستی در نظر حکما، حقیقتی یگانه است که مراتب مختلفی دارد. از منظر عرفا، همه مخلوقات در واقع جلوه‌هایی از وجود الهی بوده که بر حسب مراتب وجودی خود دارای شدت، ضعف، نقص و تأخیر هستند. بدین ترتیب، سراسر هستی را سلسله‌ای از وجودهای عینی تشکیل می‌دهد که قوام هر حلقه‌ای به حلقه بالاتر و از نظر مرتبه وجودی نسبت به آن، محدودتر و ضعیف‌تر است. همچنین، ضعف و محدودیت، ملاک معلولیت آنها است تا برسد به مبدأ هستی که از نظر شدت وجودی، نامتناهی و محیط بر همه مراتب امکانی آنها است (ابراهیمی دینانی، ۱۳۸۱: ۹۶). ملاصدرا می‌گوید؛ «پروردگارم مرا هدایت فرمود و برهانی روشن عطایم نمود بر این که وجود، منحصر در یک حقیقت شخصیه است؛ به‌گونه‌ای که در دار وجود جز او موجودی نیست و هر چه غیر از او موجود به نظر می‌رسد، ظهور و تجلی صفات او و فیضی از افاضات نامتناهی وی هستند» (صدرالدین شیرازی، ۱۴۱۰: ۲۹۲).

"هرم تجلی" یا "هرم وجود"، مراتب وجود را مطرح می‌کند. هر چه از رأس هرم که ذات باری است، نزول و بعد صورت گیرد، کثرت و تفرد بیشتر رخ می‌نماید تا قاعده هرم که سخت کدر و ظلمانی است و عالم ماده را شامل می‌شود (تصویر ۱)؛ در حالی که در عروج، وحدت و تقرب بیشتر است. به گفته لاهیجی، شارح گلشن راز شبستری، با ظهور حقیقت در پرده‌های نزولی وجود یعنی مخلوقات عالم، از لطافت روحانی آن کاسته می‌شود و در کدورت (کثافت) مادی درمی‌پیچد (سبزواری، ۱۳۶۱: ۸۸؛ لاهیجی نوربخشی، ۱۳۳۷: ۱۳۳).

در یک تقسیم‌بندی، مرتبه اول در سلسله ممکنات، عالم عقل[1] است؛ عالمی که موجودات در آن هم در مقام ذات و هم در مقام فعل، مجرد از ماده هستند. این عالم، از ماده و آثار ماده مثل؛ حرکت، زمان، مکان، کیفیت، کمیت و ... منزه است و از حیث وجودی، قوی‌ترین مرتبه عالم است و تقدم وجودی بر تمام عوالم خلقت دارد. مرتبه دوم در

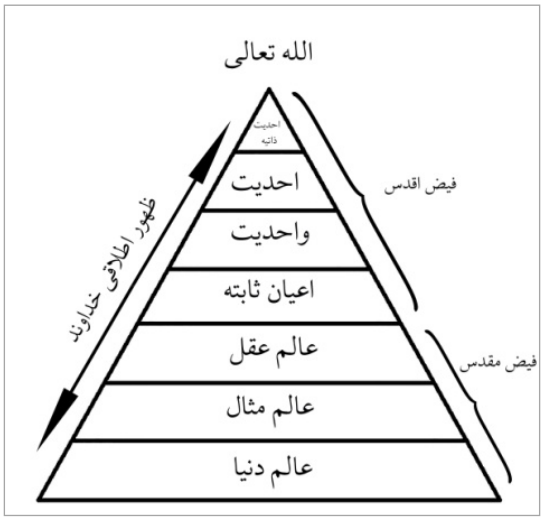

تصویر ۱. هرم تجلی(URL: 1)

این سلسله طولی، عالم مثال[۲] است. این عالم، مجرد از ماده بوده، ولی دارای آثار ماده (شکل، بعد، وضعیت و ...) است. طبق نظر حکما، این عالم نه مجرد محض است و نه مادی صرف، بلکه متوسط میان آن دو است؛ یعنی از ماده و تغیر و حرکت (حرکت به معنای سیر از قوه به فعل که در فلسفه ملاصدرا مطرح شده، نه حرکت به معنای عرفی) منزه بوده، ولی با برخی از آثار ماده مانند؛ شکل، وضع و بُعد و نظایر آنها همراه است (ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۶: ۵۸۱). مرتبه سوم از مراتب طولی وجود، عالم ماده[۳] است که سراسر ضعف، قوه و استعداد است و توان رسیدن به مراتب بالاتر را دارد و موجودات این عالم، دارای حدود و قیود بسیاری بوده و از سعه وجودی کمی برخوردار هستند.

رابطه این عوالم سه‌گانه با همدیگر، رابطه طولی است؛ یعنی عالم مثال، باطن و حقیقت عالم ماده و عالم عقل، باطن و حقیقت عالم مثال است. به گفته علامه طباطبایی، این ترتب وجودی، ترتب در علیت است؛ یعنی عالم عقل، علت به وجود آمدن عالم مثال و عالم مثال، علت به وجود آمدن عالم ماده است. بر این اساس، هر مرتبه از وجود که علت برای دیگری است، تمام کمالات معلول خود را دارد. در این صورت، عالم مثال که علت عالم ماده معرفی شده، یک نظام مثالی است که تمام آثار نظام مادی را در خود جای داده؛ با این تفاوت که اشرف و اعلی از نظام مادی است و محدودیات ماده را ندارد (طباطبایی، ۱۴۲۸: ۲۱۴). نسفی در نسبت میان این مراتب بیان می‌دارد که هر عالم بالا، مجمل و منشأ عالم زیرین و هر عالم زیرین، مفصل و شرح و در نتیجه، حجاب عالم بالا است (نسفی، ۱۳۷۹: ۱۷۸). از این‌رو، این مراتب در عین داشتن درجات ارزشی، از پیوستگی برخوردار هستند و این مرتبه‌بندی در همه محسوسات و معقولات این‌گونه است (حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۶: ۵۸).

ملاصدرا نیز به تطابق میان مراتب و عوالم معتقد است. چنانچه مراتب بالاتر، وجود جمعی مرتبه پایین‌تر خواهد بود و می‌نویسد؛ «خداوند متعال هیچ شیئی را در عالم صورت و دنیا نیافرید مگر آنکه برای آن نظیر و مانندی در عالم معنی و عقبی وجود دارد و هیچ شیئی را در عالم عقبی ابداع ننمود مگر آنکه برای آن نظیر و مانندی در عالم آخرت موجود است و نیز نظیری در عالم اسماء دارد. و همچنین است در عالم حق و غیب الغیوب. پس هیچ چیزی در زمین و آسمان نیست مگر آنکه شأنی از شئون و وجهی از وجوه حق‌تعالی است. و عالم‌ها مطابق و محاذی یکدیگرند» (صدرالمتالهین، ۱۳۶۳: ۸۷) و در جای دیگر می‌گوید؛ «خداوند تعالی مقامات سه‌گانه حس، خیال و عقل را مدارج و مراتب ترقی سالکین قرار داده است. پس انسان ابتدا به عالم محسوسات مادی تنزل کرده و آنگاه از این عالم به عالم محسوساتی که مجرد از ماده و لیکن مقید به مقدارند ترقی می‌کند و این حاصل نمی‌شود مگر به استعانت و کمک خیال که حاصل صیرورت و تکامل امور محسوس است. سپس از عالم خیال که تشکیل‌دهنده بعد برزخی اوست، سفر به عالم عقل که عالم صور مفارقه است آغاز می‌گردد و این سفر نیز حاصل صیرورت خیال است که به عقل بالفعل تبدیل می‌شود. هر یک از عوالم سه‌گانه دارای مدارج فراوان دیگری هستند و در میان این عوالم هر عالم که فراتر است به دلیل سعه و گستردگی بیشتری که دارد از طبقات بیشتری برخوردار است و انسان به اولین درجه از درجات عالم نهایت یعنی عالم عقول نمی‌رسد مگر آنکه تمام درجات عالم قدر را که برزخ بین طبیعت و عقل است طی کند. و نیل به اولین درجه از درجات عالم مثال که واسطه دو عالم دیگر است حاصل نمی‌شود مگر آنکه پیش از آن تمام درجات عالم طبیعت طی شده باشد. پس جمیع عوالم با همه درجات و مراتبی که دارا هستند منازل سیر آدمی به سوی خداوند هستند» (ملاصدرا، ۱۳۶۸: ۲۳۵ و ۲۳۶). بنابراین تکامل انسان، حاصل عبور طولی از این مراتب در سیر صعودی است.

مراتب سه‌گانه در سایر معارف

در بیان مراتب حقیقت باید در نظر داشت که در این مراتب سه‌گانه، هر مرتبه، انعکاس و ظهور مرتبه بالاتر است. در حقیقت، این مراتب در بطن هم و یک امر واحد و یگانه در سه ساحت هستند. حکمای اسلامی بر سه‌گانه بودن عوالم وجودی تحت عناوینی چون؛ مُلک، ملکوت و جبروت یا زمین، آسمان و عرش تأکید دارند (کرباسی، بی‌تا). در موضوعات دیگری نیز می‌توان این مراتب سه‌گانه را دریافت؛ زیرا به نوعی همه علوم و معارف، تفسیر این یگانه سه‌گانه و سه‌گانه یگانه هستند.

- در حکمت اسلامی به‌ویژه حکمت متعالیه صدرایی، خداوند دارای سه شأن فعل و صفات و ذات است و این سه نیز یکی بیش نیست؛ در حالی که شناخت خدا با ذات، بالاترین مرتبه شناخت است.
- در مراتب عرفانی برای فنای عارفان، سه مرتبه متناظر می‌توان بیان کرد؛ محو، طمس، محق.
- آیه ۳۵ سوره نور، یکی از تمثیل‌های مهم در تبیین رابطه حق‌تعالی با عالم هستی با تمثیل نور است که در آن، سه‌گانه؛ چراغدان، چراغ و شعله طرح شده است.
- مراتب نفس انسان؛ حواس، خیال، عقل. نیروهای انسانی،

دارای درجاتی از نور هستند. این سه مرتبه طبق قاعده "النفس فی وحدتها کل‌القوی"، یک چیز و در نتیجه، تجلی و شئون متفاوت از نفس هستند. مولوی نیز نورانیت وجود انسان را در سلسله‌ای طولی به حق‌تعالی منسوب می‌داند و در این نسبت، به سه‌گانه؛ نور چشم، نور دل و نور خدا تأکید می‌کند.

- حقیقت تعلیم یا القای نورانیت نیز سه مرتبه است؛ تعلیم، الهام و وحی. در هر سه مرتبه، کسی یا چیزی بیرون از خودِ انسان، مطلبی را به انسان می‌آموزد. جنس این امر، از نور معادل بینش است.
- یقین نیز دارای مراتبی است؛ حق‌الیقین، عین‌القین، علم‌الیقین.
- همانند مراتب دیگر، مراتب راه نیز یک امر با سه مرتبه هستند؛ شریعت، طریقت، حقیقت (بابایی، ۱۳۹۷: ۶۲-۵۰) (تصویر ۲).

بین این سه‌گانه‌ها رابطه طولی و به اصطلاح تشکیکی وجود دارد. در تشکیک، تفاوت آنها به خود مرتبه آنها است، نه به امور زائد بر ذات. این مراتب هم در قوس نزولی و هم در قوس صعود مطرح می‌شوند. در قوس نزولی، شئون مربوط به تجلی حق‌تعالی و خلقت که جهتی از بالا به پایین دارند مطرح می‌شوند. در واقع، مرتبه اول، حقیقت اصلی و شدیدی است که مراتب پایین، ظهورهای رقیق و ضعیف آن هستند و در قوس صعود که بیشتر مربوط به تکامل انسان و قوس معرفت است، مراتب پایین، لایه‌های ضعیف، نمود و ظاهر همان حقایق بالا بوده و در واقع، راه رسیدن به مراتب بالاتر هستند. سه‌گانه‌های یادشده در قوس نزولی یعنی قوس خلقت هستی، مراتب خلقت بوده و در قوس صعود، مراتب کمال و معرفت و شناخت هستند (همان: ۶۷-۶۵).

از منظرِ این پژوهش، معماری نیز جهت پاسخ به نیازهای انسان، که خود مترتب هستند، به‌نحوی شکل می‌گیرد که مراتب دارد و محدود به کالبدِ صرف و وجوه مادی نیست و ابعاد و وجوه معنایی و فراتر از کالبد را نیز در بر دارد. وجوه مادی را می‌توان "آشکارگی‌های معماری"[۴] نامید و منظور، ابعاد روشن و دقیق معماری همچون؛ سازه، روشنایی، صدا، عملکردها و ابعاد فضا هستند که درباره آنها پژوهش‌های کمی و در بعضی موارد کیفی در خصوص بازخورد انسانی نسبت به آنها انجام می‌شوند. در مقابل، "پنهانی‌های معماری" به تصورات مبهم بازمی‌گردند که برای درک و بیان دشوار هستند. از مصادیق آنها می‌توان به مفهوم سکونت، عبادت، آرامش و زیبایی اشاره داشت (خاکی قصر، ۱۳۹۷: ۷). بنابراین، معماری در پاسخ به نیازهای متعدد انسان، وجوه متعدد دارد (تصویر ۳).

مراتب آثار معماری

بنا بر آنچه مطرح شد، در مورد معماری نیز می‌توان مراتبی در نظر گرفت. همان‌طور که در بحث از مراتب وجود بیان شد، این مراتب درهم‌تنیده هستند و هر مرتبه، سایه، انعکاس و تجلی مرتبه یا مراتب بالاتر است. معماری را نیز می‌توان در مراتب متعدد بررسی کرد. اما جهت تطبیق با مبحث گذشته، آنها را در سه ساحت مورد بررسی قرار می‌دهیم.

مرتبه ماده

نخستین سطح از مراتب آثار معماری، مرتبه‌ای است که مستقیماً در وجوه مادی و کالبدی آن معرفی می‌شود. وجوه متعدد معماری از جمله؛ مصالح ساختمانی، فرم و شکل، رنگ‌ها و نقوش تزئینی، تکنیک‌های اجرایی، عاملان اجرا اعم از معمار یا حامیان مالی، نحوه تأثیر از اقلیم و جغرافیای

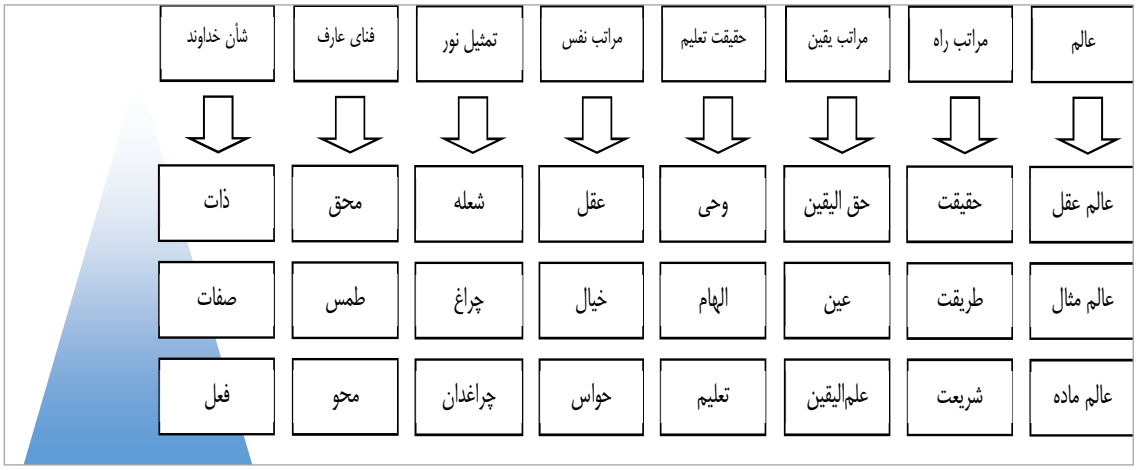

تصویر ۲. مراتب سه‌گانه در معارف (نگارندگان)

منطقه، مسائل ایستایی و سازه‌ای و ...، مواردی هستند که در اولین مواجهه و شناخت اولیه بنا مورد توجه و مطالعه قرار می‌گیرند و بدین روی، اغلب مطالعات و شناخت آثار معماری در این حوزه متمرکز است.

در مورد مرتبه مادی معماری می‌توان گفت انسان به واسطه اینکه بعدی جسمانی و مادی دارد، دارای نیازهای مادی از قبیل؛ تأمین سرپناه مناسب و تأمین شرایط آسایش است. برای ایجاد مکان مناسبی که آسایش مادی را تأمین کند، ناگزیر از استفاده از طبیعت است؛ چرا که انسان قادر به خلق ماده اولیه نیست و فقط می‌تواند از مصالح موجود در طبیعت استفاده کند. لذا تناظری میان انسان در مرتبه مادی، عالم در مرتبه مادی و معماری در مرتبه مادی برقرار است. برای محقق شدن این مرتبه، انسان باید قواعد حاکم بر طبیعت و مواد و مصالح مانند؛ ضریب انبساط، مقاومت و کشش مصالح، گرانش و ... را بشناسد و از آنها تبعیت کرده و با بهره‌گیری از علوم مختلف، نحوه ترکیب و تعامل مصالح و فنون و تکنیک‌های راهگشا را ابداع کند.[۵] در این زمینه، انسان از تجربه گذشتگان بهره می‌برد. لذا در نگاه تاریخی به معماری درمی‌یابیم معماری به لحاظ ساختاری و تکنیکی (وجه مادی و محسوس) در زمان، همواره رو به رشد و کمال بوده است.

بنابراین، معماری در مرتبه مادی، به نیازهای اولیه و مادی انسان مرتبط است و برای تأمین آنها، از مرتبه مادی عالم (عالم طبیعت) استفاده می‌کند و جنبه‌های کالبدی و مادی معماری را شکل می‌دهد. از آنجا که عالم ماده، عالم کثرت است و معماری، پاسخ به شرایط خاص زمانه و زمینه است، نحوه شکل‌گیری کالبد معماری در هر مورد، یگانه و منحصر به‌فرد است و بنابراین در معماری سنتی دقیقاً مانند عالم طبیعت (مرتبه مادی عالم)، هرگز دو نمونه کاملاً یکسان وجود ندارد.

مرتبه الگو[۶]

در سطحی دیگر می‌توان علل دیگری را عامل شکل‌گیری معماری بیان کرد؛ علل و عواملی که مستقیم در کالبد اثر قابل مشاهده نبوده، بلکه در نهان اما با واسطه علل مادی بر شکل معماری تأثیر دارند. الگوها و قواعدی که به گفته الکساندر، در تمام بناهای یک شهر تکرار می‌شوند تا آن شهر، هویت و ویژگی معین پیدا کند (الکساندر، ۱۳۹۰: ۱۸۰). قطعاً الگوها و قواعدی پنهانی، مانند دی ان ای در بدن موجود زنده، بر شکل‌گیری و تغییرات اجزای یک مکان یا یک شهر حاکم هستند.

ویژگی الگو، قابلیت تکرار آن در موارد متعدد است. بر خلاف ویژگی‌های مادی که در هر اثر منحصر به‌فرد شکل می‌گیرند، الگوها و قواعد در موارد گوناگونی ظهور می‌یابند و معماری را شکل می‌دهند. برای نمونه، الگوی حیاط مرکزی را می‌توان نام برد که بر گونه‌های متفاوت (خانه، مسجد، کاروانسرا، مدرسه و ...) در پهنه گسترده‌ای از جغرافیا (اغلب کشورهای دارای معماری اسلامی؛ از هند تا مراکش) و در بازه زمانی گسترده (کل دوران پس از اسلام)، شاکله معماری را تشکیل داده است.

نمونه دیگر، هندسه است که دست‌مایه همه معماران در خلق آثار معماری است و به صورت رمزی، عالم ماده را به عالم معنا و ماورا پیوند می‌دهد (ندیمی، ۱۳۸۶: ۹۲) و عوالم بالا را متذکر می‌شود. بورکهارت در این زمینه معتقد است این هندسه بر خلاف مهندسی جدید، محدود به جنبه کمی نیست و جنبه‌ای کیفی دارد و معماری به واسطه همین وجه است که از صفاتی چون؛ وحدت و هماهنگی و کیفیت بی‌نظیر برخوردار می‌شود (بورکهارت، ۱۳۷۰: ۲۲). الگوهای هندسی مانند تناسبات خاص و یا هندسه مبتنی بر دایره مانند الگوهای دیگر در موارد متعدد و متکثر می‌توانند عامل خلق معماری باشند. حتی در موارد گسترده‌تری مانند دیگر هنرها می‌توانند عامل خلق اثر شوند.

بنابراین الگوها در مرتبه و ساحتی بالاتر از مرتبه مادی و به واسطه رمز از طریق ذهن و خیال انسان، معانی والا را در قالب وجوه مادی، متجلی و منعکس می‌کنند و بدین ترتیب در ساحتی دیگر، عامل خلق معماری هستند. الگوها به نسبت علل مادی، از کثرت کمتر برخوردار هستند، اما از آنجا که فراتر از ماده بوده، بر موارد متعدد و کثیر قابل تعمیم هستند. در بیان الکساندر، الگو فراتر از مرتبه محدود ماده

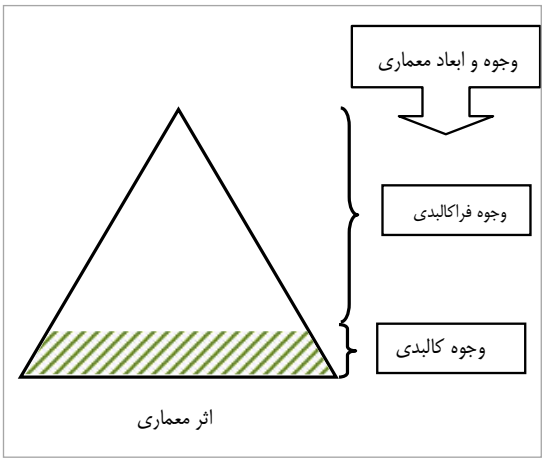

تصویر ۳. وجوه معماری (نگارندگان)

است و مابه‌ازای کالبدی آن با اندکی تفاوت، به هزاران صورت متفاوت محقق می‌شود. بنابراین، به‌دست آوردن یک الگو از درون یک جهان‌بینی که منحصراً بر ماده متمرکز می‌شود، محال است (سالینگروس، ۱۳۸۷: ۳۹۰)؛ چرا که الگوها به طرق رمزی که برجسته‌ترین آنها اشکال و اعداد هستند (بلخاری قهی، ۱۳۸۷: ۲۰۲)، حقایق عالم بالاتر از خود را در عالم پست‌تر بیان می‌دارند.

متناظرِ این مرتبه، ابزار انسان برای تحقق آن، قدرت خیال او است. عالم خیال، خاستگاه قدرت تصویرسازی و صورتگری است که اگر از انسان گرفته شود، هنر واقعیت پیدا نمی‌کند. اگر عالم خیال نبود، مجاز و استعاره و اشارات رمزی پدید نمی‌آمد (امامی جمعه، ۱۳۸۵: ۸۲ و ۸۴). بنابراین، مرتبه عوامل الگویی در معماری، هم‌جنس و هم‌سنخ با عالم خیال انسانی بوده و به گفته ملاصدرا، سرچشمه آن در عالم ملکوت است (همان: ۸۴) و به‌عبارتی، با عالم مثال نیز تناسب و سنخیت و تناظر دارد. بدین ترتیب، الگوها واسطه انتقال معانی به ساحت ماده و نشانه و رمز برای القای معانی پنهان هستند و موجب می‌شوند اثری هنری تولید شود؛ بدین معنا که در مواجهه با اثر مجدداً خیال، فعال و متلاطم شده و مفاهیم و معانی پنهان ادراک می‌شوند.

مرتبه معنا[۷]

بنا بر آنچه گفته شد، در شکل‌گیری معماری، مرتبه مادی، کالبدی‌ترین وجه معماری را شکل می‌دهد؛ در حالی که قواعد و اصولی به طریق رمز و الگو در سطحی بالاتر، ناظر به نحوه ظهور و عملکرد عوامل مادی هستند. از طرفی، همان الگوها و قواعد و اصول نیز از مرتبه دیگری تأثیر می‌پذیرند که معانی و اندیشه‌های مندرج در فرهنگ و سنت یک جامعه هستند. این معانی در تفکر سنتی، در ربط مستقیم با منشأ عالم و خالق هستی قرار دارند. این مرتبه از عوامل، نمود عینی ندارد؛ چرا که متناظر با مرتبه عقل در انسان و بالاترین مرتبه عالم یعنی عالم عقل است. با این وجود، در سطوح پایین‌تر تجلی و انعکاس می‌یابد.

یکی از اصلی‌ترین این معانی، باور به توحید و وحدت در عین کثرت است که در انواع هنرها و معماری و در مقیاس‌های مختلف، از تذهیب یک کتاب تا سازمان‌دهی اجزای یک شهر، می‌توان نمود آن را دید. سید حسین نصر، وجود وحدت در شهر اسلامی را این‌گونه توصیف می‌کند: شهر اسلامی سنتی، وحدت را مستقیماً منعکس می‌کرد. از آنجا که در اسلام، تمایزی میان امر قدسی و غیرقدسی وجود ندارد، بر معماری شهر، وحدتی حکم‌فرما بود که معماری خانه و حتی قصر و دیگر بناهای شهری را به معماری مسجد پیوند می‌داد. این وحدت، فضای درون خانه فرد مسلمان را، هم از نظر عبادی و هم از نظر هنری، دنباله و امتدادی از فضای درون مسجد قرار می‌داد.... (نصر، ۱۳۸۶: ۳۷۸).

از نمونه‌های دیگرِ معانی مندرج در هنر و معماری اسلامی، مفهوم سلسله مراتبِ (متأثر از مراتب وجودی عالم)، تأکید بر مرکز تهی (حضور خداوند و آخرین مرتبه عرفان)، نقوش نمادین و انتزاعی گیاهی (اشاره به بهشت)، استفاده از نور به بهترین وجه (تذکر به اینکه خدا نور آسمان‌ها و زمین است)، طرح و تزئین سقف در معماری به کمال و نقوش شمسه در سایر هنرها (تأکید بر آسمان‌ها و عوالم بالا) و ... را می‌توان ذکر کرد.

همان‌طور که بیان شد، این مراتب در نظامی طولی و درهم‌تنیده هستند. می‌توان یک بنا و یا یک عنصر معماری مانند یک سقف (تصویر ۴) را در سه ساحت بررسی کرد:

۱. مادی: عناصر تشکیل‌دهنده، نقوش و جنبه‌های بصری، نکات فنی و اجرایی، مسائل ایستایی و سازه‌ای، تاریخ و قدمت آن و ...
۲. الگویی: هندسه مبتنی بر دایره (نماد آسمان و مرتبه اعلی)، پلان مربع (نماد زمین و مرتبه مادون) و تبدیل به هشت‌ضلعی (تقدس عدد هشت) و ...
۳. معنایی: وحدت در کثرت، تأکید و تمرکز بر مرکز خالی، حضور نور، سلسله مراتب تقرب به نور، جلب نظر به سمت آسمان و ...

مراتب حفاظت از آثار معماری

چنانچه بیان شد، تشابه و تناظری میان مراتب عالم، مراتب نفس انسان و مراتب معماری وجود دارد. معماری در مراتب

تصویر ۴. یکی از طاق‌های مسجد جامع عتیق اصفهان (نگارندگان)

متعدد، نیازهای انسان که خود مراتبی دارد را تأمین می‌کند و البته این، ویژگی بارز معماری سنتی است. از آن حیث که انسان سنتی به واقع انسان مذهبی بود که به حقایق متعالی ورای محسوسات مادی معتقد و طالب آنها بود و این بر تمام شئون زندگی او و معماری به‌عنوان بستر و ظرف زندگی او حاکم بود، بنابراین این‌گونه آثار به جهت هماهنگی با نیازهای مترتب انسان، خود دارای مرتبه‌بندی هستند. حال آنکه آثار معماری جدید، متأثر از جهان‌بینی انسان دوره جدید، صرفاً پاسخ‌گوی نیازهای مادی هستند. این امر خود یکی از دلایل حفظ مکانهای تاریخی است. آثار سنتی، نیازهایی از روح و روان را پاسخ‌گو هستند که معماری جدید در برآوردن و حتی درک آنها ناتوان است. حال چنانچه حفاظت را در معنای جامع آن؛ یعنی حفظ و تداوم حیات مکان در تمام وجوه بدانیم، حفاظت نیز دارای مراتب متعدد خواهد بود که با مراتبی از شناخت و ادراک ممکن می‌شود. فلاسفه از جمله صدرا، قائل به مراتبی سه‌گانه و تکاملی برای ادراک شده‌اند؛ ادراک حسی، شناخت اولیه و به واسطه حواس، ادراک خیالی، ساخت عنصری در ذهن. خیال، مدرک صورت محسوسه شیء غایب یا خزانه صور محسوسه است و ادراک عقلی، که با ادراک شهودی و اشراقی مطابقت دارد؛ شناخت حقیقی است که در آن، نفس با شیء یکی می‌شود (شجاری و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۶۳ و ۱۷۱). البته این مراتب نیز همچون مراتب عالم و انسان و معماری، در عین پیوستگی، در مراتب طولی قرار دارند و با وجود آنکه مراتب پایین‌تر به لحاظ تقدم، اولویت داشته، مراتب بالاتر شرافت بالاتر دارند. چنانچه هستی مکان تاریخی در اصل، منوط به معنای آن است و پس از آن است که مراتب بعدی و وجوه کالبدی به‌عنوان تجلی و ظهور معنا موضوعیت پیدا می‌کنند (صالحی، ۱۳۹۶: ۲۶).

حفاظت از کالبد

اولین مرتبه، مربوط به حفاظت از نخستین مرتبه اثر معماری و متمرکز بر ویژگی‌های فیزیکی و مادی اثر است. هر اثری، هیئت و کالبدی مادی و فیزیکی دارد و برای ماده، فساد و زوال طی زمان اجتناب‌ناپذیر است. پس چگونه می‌توان اثری که تغییر و فساد آن حتمی است را به همان شکلی که به‌دست ما رسیده، به نسل‌های آینده انتقال داد؟ این، دغدغه اصلی حفاظت نوین است که منجر به حفاظت موزه‌ای[8] شده است. اصول حفاظت نوین (هم در مورد حفاظت از اشیا و هم مکان‌ها) نیز در جهت تحقق این هدف شکل گرفته‌اند. از جمله اصول مهم که تقریباً همواره مورد تأیید حفاظتگران بوده و امروزه نیز همچنان از اعتبار برخوردار است، بدین قرار هستند: حداقل مداخله، برگشت‌پذیری، خوانایی مداخله (تمایز بخش‌های افزوده‌شده و جدید)، استفاده از مواد و روش‌های مشابه تا حد امکان، حفظ اصالت، یکپارچگی و تمامیت، تأکید بر مستندسازی در حین مداخله، حفظ شواهد تاریخی، عدم آسیب رساندن به ویژگی‌های خاص اثر و توجه به طبیعت اثر (Larsen et al, 2000: 8; Pye, 2001: 32; Feilden, 2003: 6; Forsyth, 2007: 16; Richmond et al, 2009: 49; Dann et al, 2007: 188; Avrami et al, 2000: 8). این اصول از آنجا نشأت می‌گیرند که الگوی غالب در بیشتر کشورهای غربی‌شده، حفاظت علمی است و حفاظت علمی، با بعد مادی معماری سروکار دارد و مانند علوم محض در پرداختن به موضوعات، از ابزارهای خود برای درک دنیای مادی استفاده می‌کند (میونز ویناس، ۱۳۸۹: ۸۵).

از این‌رو، حفاظت نوین در این مسیر، از دستاورد سایر علوم جدید بهره می‌برد. چنانچه در دستورالعمل‌ها نیز بدان توصیه شده است؛ برای نمونه منشور آتن (1931)، استفاده از متخصصین علوم فیزیک، شیمی و علوم طبیعی را توصیه می‌کند، همچنین، توصیه‌نامه حفاظت ملی میراث فرهنگی و طبیعی(1972) در ماده ۳ و منشور ونیز (1964) در ماده ۲ و ۱۰، بهره‌گیری از فنون مدرن و پیشرفت‌های علمی و فنی در تمام شاخه‌های مطالعاتی مرتبط را الزامی می‌دانند. بنابراین، حفاظت در این مرتبه با تمرکز بر وجوه کالبدی، به سمت حفاظت علمی متمایل می‌شود که مبتنی بر شناخت و تثبیت اجزای مادی است. در این مسیر، تمرکز بر حفاظت اجزا به صورت تخصصی شدت می‌یابد. هر نوع از مصالح (کاشی، چوب، آجر، گچ و ...) توسط متخصص رشته خود و یا آزمایشگاه‌ها و مواد و روش‌های اختصاصی، آسیب‌شناسی و حفاظت می‌شوند.[9]

حفاظت از الگوها

حفاظت در مرتبه دوم، ابتدا در گرو شناخت مکان در مرتبه دوم است. چنانچه بیان شد، مرتبه دوم، واسطه انتقال معانی متعالی از طریق الگوها و با زبان رمز است و همان‌طور که گفته شد، ویژگی الگو، قابلیت تکرار آن در موارد متعدد است؛ بدون آنکه آثار دقیقاً یکسان تولید شوند. از آنجا که الگوها بیان حقایق ازلی و لایتغیر هستند، با وجود تغییرات مواد و مصالح و فنون و سبک‌ها و ... تغییر نمی‌کنند. برای مثال، ممکن است نقوش تزئینی و روش‌های اجرای محرابی متعلق به قرن هفتم امروز منسوخ باشند، اما اصول و الگوهای زیبایی‌شناسی، تناسبات هندسی و قواعد پنهان در باطن آن همچنان به ارزش خود باقی هستند و این تکرار الگوهای ثابت،

رمز تداوم و جاودانگی آثار سنتی و بازی با خیال انسان است.

بنابراین در مرتبه دوم حفاظت، شاید علوم امروزی کارایی کافی نداشته باشند. لازمه حفاظت از مکان در این مرتبه، توانایی خوانش و درک و فهم الگوها و قواعد و رموز پنهان در آثار است که ممکن است آموزش‌دادنی نباشد؛ چرا که بیشتر فهمیدنی است. در مرحله بعد از درک و شناخت، لازم است از الگوها و قواعد آنها حفاظت شود؛ بدین سان که در طراحی‌های امروزی به طریق صحیح بازتکرار شوند. این‌چنین حفاظتی، زنده و پایدار است؛ چرا که همگام با عوامل متغیر، سبب تداوم اصول برگرفته از حقایق متعالی و ثابت می‌شود.

حفاظت از معانی متعالی

بالاترین مرتبه حفاظت، مربوط به حفاظت از معانی و مفاهیم متعالی مندرج در مصنوعات انسان است. بر خلاف دوره سنت که توجه به منشأ و مبدأ عالم وجود، امری بدیهی و اولیه به شمار می‌آمد و بر تمام فعالیت‌های انسان سایه می‌گسترد، دوره جدید به عالم ماده توجه دارد و از عالم بالا غافل است. مصنوعات انسان از جمله معماری در دوران سنت نسبت به آثار دوران جدید، از زیبایی و کمال بالاتری برخوردار بوده و یادآور حقایق بودند. اما برای انتقال مفاهیم و حقایق، کمال اثر (ابژه) کفایت نمی‌کند، بلکه باید انسان مخاطب آن (سوژه) نیز کمال متناظر با آن را دارا باشد و کمال انسان، فضایل نفسانی او است (بینای مطلق، ۱۳۸۵: ۶۴). از این‌رو، رجوع انسان به میراث معماری، ادب حضور طلب می‌کند و امتداد حیات پویای مکان‌های تاریخی، مستلزم حضور انسان مؤدب است. این نیاز دوسویه، تضمین‌کننده برقراری ارتباط مکان تاریخی و انسان به منظور ارتقای سطح کیفی حیات هر دو است (مؤذن، ۱۳۹۴: ۵). در این شرایط، حفاظت از مرتبه معانی متعالی، نه نیاز به آموزش که نیاز به تربیت دارد و قابل احصا به طرق آموزش آکادمیک نیست. این معانی تنها توسط انسان آگاه و تربیت‌شده در این نظام فکری و ارزشی و به واسطه نیروی عقل (بالاترین ابزار شناختی انسان) ادراک می‌شوند. لذا حفاظت از این معانی، در گرو حفظ و تربیت انسان‌هایی از سنخ همان آثار معماری است تا بتوانند آن مفاهیم را خوانش و حفاظت کنند؛ چرا که اگر ارزش‌های یک جامعه با ارزش‌های میراث فرهنگی هماهنگ نباشند، نمی‌توان انتظار فهم و توجه به ارزش آنها را داشت (حجت، ۱۳۸۰: ۹۶). حفاظتی که قادر به درک و حفظ این مرتبه باشد، برخاسته از همان مبانی نظری و فکری بستر مولد معماری است.

نتیجه‌گیری

بنا بر آنچه مطرح شد، می‌توان دریافت عالم وجود، دارای مراتب متعددی است. این مراتب در نظامی طولی و طی مراتبی از منبع وجود تا پایین‌ترین درجات نزول می‌کنند. عالم ماده، پست‌ترین مرتبه است که کمترین بهره از وجود را دارد. هر چند به لحاظ تعداد، تقسیمات متعددی می‌توان داشت، اما در این پژوهش، مراتب عالم وجود در سه سطح تبیین شده‌اند و البته هر مرتبه را می‌توان دارای مراتب دیگری دانست. این نظام سلسله مراتبی قاعده خلقت است و علاوه بر عالم، بر آدمی نیز صادق است. انسان نیز محدود به جسم نیست و دارای مراتب وجودی است. چنانچه کمال انسان، در طی این مراتب است و یکی از الزامات آن، ایجاد بستر و ظرف مناسب زندگی (معماری) است؛ به‌نحوی که تمام قابلیت انسان در تمام مراتب در آن بتواند بالفعل شود و انسان بتواند با تأمین نیازهایی که خود نیز مترتب هستند، به آرامش و کمال نائل شود. بنابراین می‌توان مراتب متناظری برای عالم و انسان و معماری در نظر گرفت. طبیعتاً حفاظت از اثر معماری نیز دارای مراتب خواهد بود. حفظ هر مرتبه، موجب انتقال ارزش‌ها و تأمین آرامش انسان در همان مرتبه می‌شود. در پایین‌ترین سطح، انسان با کمک حواس خود (نه‌فقط حواس پنج‌گانه، بلکه همراه با عقل منطقی و استدلالی[۱۰] که نتایج دریافت حسی را به علوم ترجمه می‌کند)، برای رفع نیازهای مادی خود و به کمک آنچه در عالم طبیعت موجود است، جسم و کالبد معماری را شکل می‌دهد. حفاظت از این بُعد معماری نیز به کمک ابزار و تخصص و فنون مبتنی بر عالم ماده است. از آنجا که مرتبه مادی به لحاظ مراتب شناخت اولویت دارد و امکان شناخت و بررسی آن به‌خصوص در زمانه حاضر که دوره سلطه کمیت و ماده است، سهولت بیشتر داشته، حفاظت نوین نیز بر حفظ اجزای مادی در بنا به سبب انتقال ارزش‌هایی که برای انسان مدرن (با جهان‌بینی مادی) تعریف شده است، تأکید دارد.

اما در نگرش سنتی و اسلامی، مرتبه مادی، آغاز حرکت در قوس صعود به سمت حقیقت و مرتبه ماورای ماده است که با کمک مرتبه واسطه‌ای امکان‌پذیر است. متناظر این مرتبه در انسان، قوه خیال است که توان خلق و خوانش

مفاهیم رمزی و استعاری را فراهم می‌آورد. در خلق معماری نیز به صورت رمزی و نمادین، از الگوها و قواعدی بهره می‌برد که ترجمان حقایق متعالی و غیرمادی هستند. از این‌رو این معماری، قدرت تعالی انسان به مرتبه بالاتر از وجود جسمانی صرف را دارد. طبیعتاً حفاظت از اثر معماری در این مرتبه، در گرو فهم و بازتکرار آگاهانه الگوها در معماری جدید است. در بالاترین مرتبه وجودی، عالم عقل است که متناظر آن انسان نیز دارای قوه عقل[۱۱] جهت تقرب به آن است. این معانی متعالی در معماری سنتی به واسطه مراتب پایین‌تر تجلی می‌یابند. حفاظت از این مرتبه از ارزش‌های مکان، در گرو تربیت انسان‌هایی است که خود به واسطه تربیت، و نه آموزش صرف، به مراتب بالاتر وجودی تعالی داشته باشند. بدین ترتیب، امکان خوانش و حفاظت از این مرتبه از ارزش‌های مکان مهیا می‌شود (تصویر ۵).

چنانچه بیان شد، معماری و به تبع آن حفاظت، دارای مراتب متعددی است. مراتب کالبدی و ظاهری در وهله اول مورد توجه و بررسی قرار میگیرند و امکان غفلت از باطن و محتوای معنایی آثار معماری وجود دارد. در حفاظت از آثار معماری نیز این خطر وجود دارد که وجوه معنایی و فراکالبدی آثار مورد بی‌توجهی و فراموشی واقع شوند؛ در حالی که باطن، ظاهر را زنده نگه می‌دارد. لذا در مورد پژوهش‌های آتی پیشنهاد میشود توجه و تحقیق در وجوه معنایی و کیفی آثار معماری، هم‌زمان با تحقیق در وجوه کالبدی مد نظر قرار گیرد. موضوعاتی نظیر؛ بررسی تأثیر مکان در اخلاق، تربیت و رفتار افراد، بررسی تأثیر مکان در آرامش کاربران مکان، بررسی چگونگی کیفیت ارتباط و مؤانست افراد با مکان، مقایسه کیفیت رفتارهایی مانند عبادت در مساجد قدیمی و مساجد جدید، بررسی مکان‌های تاریخی به‌عنوان مکان مناسب برای خلوت و تفکر، استخراج شاخصهایی برای فهم ویژگی‌های کیفی مکان‌های تاریخی، تطبیق معانی متعالی در زندگی با معانی پنهان در معماری، بررسی تطبیقی تأثیر ادبیات (برای مثال مثنوی مولانا) و معماری سنتی در تربیت و رشد اخلاقی افراد، استخراج صفات و خصایص رشد و تعالی انسان از مکان معماری و ویژگی‌هایی چون؛ درستکاری، صرفه‌جویی، اعتقاد به معاد، عبادت در هر زمان و مکان، میتوانند موضوع تحقیق پژوهشگران قرار گیرند.

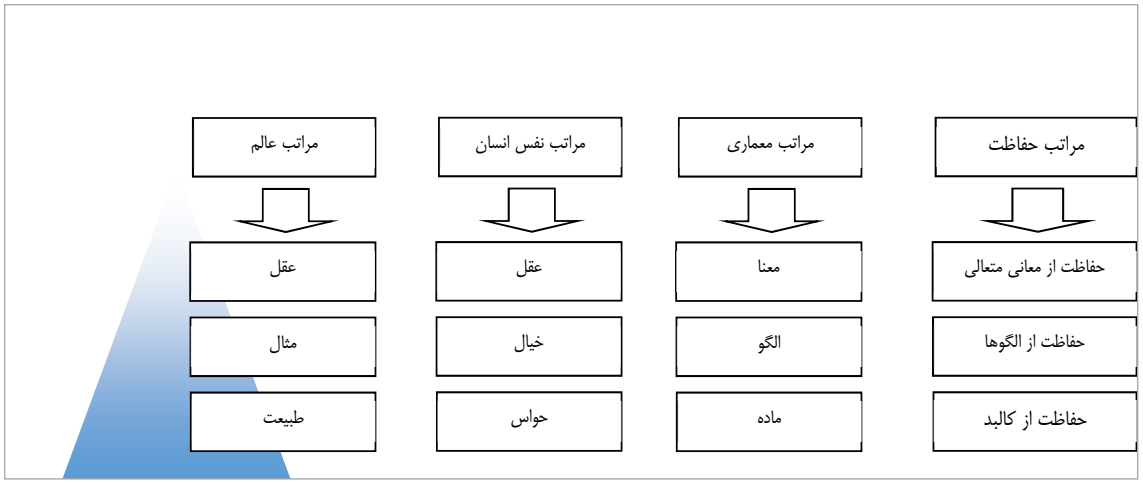

تصویر ۵. تناظر مراتب وجودی عالم، انسان، معماری و حفاظت (نگارندگان)

پی‌نوشت

۱. عالم عقل یا عالم عقول یا عالم مفارقات تامّ یا عالم ارواح یا عالم جبروت یا ملکوت اعلی.(URL:2)
۲. عالم مثال یا عالم برزخ یا عالم مفارقات غیرتامّ یا عالم ملکوت سفلی یا عالم خیال منفصل. .(URL:2)
۳. عالم ماده یا عالم ناسوت یا عالم طبیعت یا عالم مرکبات. .(URL:2)
۴. تعبیر از آقای دکتر هادی ندیمی.
۵. کرباسی در مقاله خود، شکل‌گیری معماری با حداقل بهره از عقل و منطق، در حداقل کیفیت که پاسخ‌گوی نیازهای اولیه کالبدی است، را مرتبه نخست تلقی می‌کند و مرتبه دوم را مختص به معماری با پشتوانه شناخت حقایق به کمک استدلال و مطابق

قواعد علمی نهفته در جسم معماری می‌داند. چنانچه این مرتبه دوم در خلق معماری محقق شود، روابط فضایی خوب، گرمایش و سرمایش مناسب، نور مناسب، امنیت و آرامش صوتی، استفاده از مصالح مناسب، ارتباط مناسب با محیط و ... و در نتیجه، آسایش جسمی و روانی انسان مهیا می‌شود (کرباسی، بی‌تا).

از منظر این پژوهش، این مرتبه هر چند نسبت به مرتبه نخست متعالی‌تر است، اما در تقسیم‌بندی سه‌گانه پژوهش حاضر، همچنان در مرتبه مادی معماری به شمار می‌آید. در این مقاله، مرتبه دوم، واسطه میان ماده و ماورای ماده تعریف می‌شود که می‌تواند انسان را از مرتبه "حیوانیت" و آسایش جسمی مطلوب او، به مرتبه "انسانیت" و آرامش حاصل از تقرب به معانی و حقایق اعلی برساند.

۶. بخشی از مرتبه دوم معماری به واسطه قواعد و الگوها آشکار می‌شود.

۷. معنا در مراتب متعددی، قابل فهم است. اما مراد از "معنا" در این پژوهش، مرتبه والا و متعالی آن است. چنانچه مطالعات کیفی بسیاری در حوزه روان‌شناسی محیط و حس مکان صورت گرفته که به معنا در حوزه ادراکات انسانی می‌پردازند، ولی مد نظر این پژوهش نیستند.

۸. نگهداری اشیا در شرایط خاص موزه، برای به حداقل رساندن تغییرات است. این نگرش، هم در مورد آثار و اشیای تاریخی و هم در مورد مکان‌های تاریخی اعمال میشود. چنانچه آثار معماری زیادی پس از حفاظت، به مکانی برای رجوع و تماشا تبدیل می‌شوند. به این ترتیب که افراد با خرید بلیت و به قصد تماشا و عکاسی، وارد مکان شده و پس از بازدید، خارج میشوند. در حفاظت موزه‌ای، با وجود حفظ جنبه‌های کالبدی مکان، بنا از کاربری اصلی و حیات خود فاصله می‌گیرد.

۹. شایان ذکر است حفاظت نوین، به حفاظت از معنای مکان (منشور بورا: ۱۹۷۹)، میراث ناملموس (بیانیه کبک: ۲۰۰۸) و موضوعاتی که جنبه‌های دیگری را نیز در نظر می‌گیرند مثل؛ حفظ خاطرات، حس تعلق، هویت و ... پرداخته است. اما با وجود آنکه این‌ها مراتب متعالی‌تری از ماده صرف هستند، همچنان بر اساس محوریت انسان مادی، تبیین و ارزش‌گذاری شده و در مرتبه اول از تقسیمات پژوهش حاضر تبیین می‌شوند.

10. Reason

11. Intellect

منابع و مآخذ

- الکساندر، کریستوفر (۱۳۹۰). **معماری و راز جاودانگی، راه بی‌زمان ساختن**. ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، چاپ دوم، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- ابراهیمی دینانی، غلامحسین (۱۳۸۱). وحدت و کثرت وجود از دیدگاه حکمت متعالیه. *پژوهش‌نامه حقوق اسلامی*، سال سوم (۹-۸)، ۱۰۳-۹۰.
- امامی جمعه، سید مهدی (۱۳۸۵). **فلسفه هنر در عشق‌شناسی ملاصدرا**. چاپ اول، تهران: فرهنگستان هنر.
- بابایی، علی (۱۳۹۷). بررسی تطبیقی سه‌گانه‌های حکمت اسلامی و عرفان مولوی. *نشریه جاویدان خرد*، ۱۵ (۳۳)، ۷۱-۴۷.
- بلخاری قهی، حسن (۱۳۸۷). فلسفه معماری: بازآفرینی عالم با ابتنای بر هندسه مقدس، با تأمل در مفهوم دمیورژ در تیمائوس افلاطون. **مجموعه مقالات معماری و شهرسازی مکتب اصفهان**. تهران: فرهنگستان هنر. ۲۱۸-۱۹۷.
- بورکهارت، تیتوس (۱۳۷۰). ارزش‌های جاویدان در هنر اسلامی. **مجموعه مقالات جاودانگی و هنر**. ترجمه سید محمد آوینی. تهران: برگ. ۲۶-۱۳.
- ---------- (۱۳۸۹). **جهان‌شناسی سنتی و علم جدید**. ترجمه حسن آذرکار، چاپ دوم، تهران: حکمت.
- بینای مطلق، محمود (۱۳۸۵). **نظم و راز**. چاپ اول، تهران: هرمس.
- حجت، مهدی (۱۳۸۰). **میراث فرهنگی در ایران: سیاست‌ها برای یک کشور اسلامی**. چاپ اول، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- ---------- (۱۳۸۱). «مقدمه» در کتاب **معماری و راز جاودانگی، راه بی‌زمان ساختن**. ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، چاپ اول، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- حسن‌زاده آملی، حسن (۱۳۸۶). **صد کلمه در معرفت نفس**. چاپ دوم، قم: الف لام میم.
- خاکی قصر، آزاده (۱۳۹۷). مدخلی بر راهبرد فهم درونی در تحقیق وجوه معنایی معماری. *نشریه صفه*، ۲۸ (۸۱)، ۱۸-۵.
- ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۸۶). **ایضاح الحکمة فی شرح بدایة الحکمة**. قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
- سالینگروس، نیکوس ای (۱۳۸۷). **یک نظریه معماری**. ترجمه سعید زرین‌مهر و زهیر متکی، چاپ اول، تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.

- سبزواری، حاج ملا هادی (۱۳۶۱). **اسرارالحکم**. چاپ اول، تهران: مولی.
- شجاری، مرتضی؛ سلخی خسرقی، صفا و آصفی، مازیار (۱۳۹۷). مراتب ادراک فضای سیال در مسجد جامع تبریز؛ با نگاهی به مفهوم حرکت در آرای ملاصدرا. *نشریه حکمت معاصر*، سال نهم (۲)، ۱۷۶-۱۵۷.
- صالحی، ابوذر (۱۳۹۶). هستی‌شناسی مکان تاریخی (تأملی هستی‌شناسانه در مکان تاریخی در پرتو اصالت وجود). نشریه پژوهش‌های معماری اسلامی، ۵ (۲)، ۳۳-۲۰.
- صدرالدین شیرازی، محمد (۱۴۱۰). **الحکمة المتعالیة فی الاسفار الاربعة**. چاپ چهارم، جلد ۲، بیروت: دار احیاء تراث العربی.
- صدرالمتالهین، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۳). **مفاتیح الغیب**. چاپ اول، تهران: مؤسسه تحقیقات فرهنگی.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۴۲۸). **بدایة الحکمة**. چاپ چهارم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- فلاحت، محمدصادق؛ کمالی، لیلا و شهیدی، صمد (۱۳۹۶). نقش مفهوم حس مکان در ارتقای کیفیت حفاظت معماری. *نشریه باغ نظر*، ۱۴ (۴۶)، ۲۲-۱۵.
- کرباسی، عاطفه (۱۳۸۹). *"ثابت و متغیر در معماری"*. رساله دکتری، معماری. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- ---------- (بی‌تا). جستاری در مرتبه‌مندی معماری. منتشر نشده.
- لاهیجی نوربخشی، محمد بن یحیی (۱۳۳۷). **مفاتیح‌الاعجاز فی شرح گلشن راز**. چاپ اول، تهران: محمودی.
- ملاصدرا، محمد ابن ابراهیم (۱۳۶۸). **اسفار**. چاپ دوم، جلد ۲، قم: مصطفوی.
- مؤذن، سجاد (۱۳۹۴). ادب حضور در محضر اثر تاریخی. *نشریه صفه*، ۲۵ (۳)، ۱۸-۵.
- میونز ویناس، سالوادور (۱۳۸۹). **نگره نگاهداشت معاصر**. ترجمه فرهنگ مظفر، فاطمه مهدی‌زاده و حمید فرهمند بروجنی، چاپ اول، اصفهان: گلدسته.
- ندیمی، هادی (۱۳۸۶). حقیقت نقش. **کلک دوست: ده مقاله در هنر و معماری**. اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری. ۹۴-۸۱.
- نسفی، عزیزالدین (۱۳۷۹). **کتاب الانسان الکامل**. چاپ پنجم، تهران: طهوری.
- نصر، سید حسین (۱۳۸۶). **اسلام سنتی در دنیای متجدد**. ترجمه محمد صالحی، چاپ اول، تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی.
- نوروزی، صدیقه؛ نورمحمدزاده، حسین؛ مندگاری، کاظم و ضیاییان نوربخت، حمید (۱۳۹۴). برقراری رابطه مطلوب مراتب انسان و معماری به واسطه مراتب ذکر. **کنفرانس بین‌المللی انسان، معماری، عمران و شهر**. تبریز.
- یادگاری، زهره (۱۳۹۴). *"حفاظت فراکالبدی"*. رساله دکتری، حفاظت و مرمت بناها و بافتهای تاریخی. اصفهان: دانشگاه هنر اصفهان، دانشکده حفاظت.

- Avrami, E.; Randall, M. & torre, Marta de la (2000). **Values and Heritage Conservation**. Los Angeles: The Getty Conservation Institute.
- Dann, N. & Cantell, T. (2007). **Maintenance in Conservation, In Understanding Historic Building Conservation**. Oxford: Blackwell.
- Feilden, B.M. (2003). **Conservation of historic buildings**. London: Architectural Press.
- Forsyth, Michael. (2007). **The Past Is the Future. In Understanding Historic Building Conservation**. Oxford: Blackwell.
- Larsen, K. E. & Marstein, N. (2000). **Conservation of Historic Timber Structures**. Oxford: Butterworth-Heinemann.
- Pye, E. (2001). **Caring for the Past: Issues in Conservation for Archeology and Museums**. London: James & James.
- Richmond, A. & Bracker, A. (2009). **Conservation principles, dilemmas and uncomfortable truths**. London: Elsevier/Butterworth-Heinemann In Association with the Victoria & Albert Museum.
- URL 1: http://eview.blog.ir/post/970 (access date: 1399/02/15).

Received: 2019/12/14
Accepted: 2020/05/09

The Degrees of Conservation of Architectural Heritage

Mahdi Saedvandi* **Maedeh Kalantary****

Abstract

Conservation of architectural works is based on cognition of the architecture and architecture is like a container for human life. The human forms architecture to answer his needs, however s/he has soul, in addition to body, and while human's needs are various, they have hierarchical degrees. It means that the man has physical needs and in a higher degree has spiritual needs. Then architecture has physical aspects and also intangible aspects. If the aim of conservation of architectural work is its continuity, then the conservation also should be in degrees. The question is what the degrees of conservation are. And what the relationship between these degrees is. To answer these questions in order to pay attention to the nature of architecture and protect its integrity, what and how the levels of existence in the world are discussed, because certainly the degrees of human existence and his needs, architecture and protection are sequence of that. So in this research by deduction and logical reasoning the questions will be answered. It happens by adapting the rules of the universe to architecture and then conservation. At last three degrees of conservation related to three degrees of architecture are declared: The lowest one is degree of material which forms the tangible and physical aspect of architecture. It is correspondent to sense and physical needs of human made by natural materials (lowest degree of universe). In this degree conservation in also based on survey about physical aspects and conserving values related to them. At this stage, patterns and rules are the factor of shaping architecture, through symbolism and metaphor, this level is beyond the body and material. So conserving architectural is based on understanding and replicating them wisely. Corresponding to it in man is the power of reason and in the universe is the level of reason. Protecting this level requires education, not just training, human to strengthen the ability of reading meaning. These levels are intertwined in the longitudinal system, depending on passing the lower levels.

Keywords: the degrees of conservation of architecture, the degrees of architecture, the degrees of being, the degrees of human, architectural heritage

* Assistant Professor, Faculty of Architecture, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran. *m.saedvandi@aui.ac.ir*
** Ph.D Student in Conservation and Restoration of Historical Buildings and Textures, Faculty of Conservation, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran. *ma.kalantari91@yahoo.com*